

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین (سعیدی – سعید افغانی)

۰۱ جون ۲۰۱۷

ماه رمضان ماه قرآن است

پروردگار ما در مورد عظمت قرآن عظیم الشان ونزول آن در ماه مبارک رمضان در: (آیت: ۱۸۵ سورة بقره) می فرماید: «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينت من الهدى والفرقان» (ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است تا مردم را راهنمایی کند و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد باشد و میان حق و باطل جدائی افکند).

بناءً در این ماه به تلاوت و تدبیر در قرآن باید اهمیت بسزائی داد. همانطوری که که در فوق متذکر شدیم ماه رمضان ماه قرآن است و بر هر مسلمانی شایسته است که بیش از اوقات دیگر به قرائت قرآن بپردازد و وقت گرانبهای خود را به آن مصروف سازد.

مؤرخین می نویسند یکی از خصوصیات سلف مورد توجه قرار دادن قرآن عظیم الشان بود. و جبرئیل امین در ماه رمضان قرآن عظیم الشان را بر پیامبر صلی الله علیه وسلم می خواند.

سیرت نویسان می نویسند حضرت عثمان بن عفان هر روز يك ختم قرآن می نمود. و در میان گذشتگان کسانی بودند که در هر سه شب به هنگام قیام اللیل يك ختم کامل می نمودند. و بعضی دیگر در هر هفت شب يك ختم قرائت می کردند و عده ای بودند که در هر ده روزه يك ختم قرآن می خواندند. و نقل می کنند که امام شافعی (رح) در ماه رمضان شصت ختم قرآن را در خارج از نماز قرائت می کرد و أسود در هر دوشب يك ختم قرآن را قرائت می کرد و قتاده در تمام زندگی اش هر هفته يك ختم قرآن می خواند و چون ماه مبارک رمضان فرا می رسید هر سه شبانه روز يك ختم و در دهه آخر رمضان هر شب يك ختم قرآن می خواند و امام زهري چون ماه رمضان می رسید قرائت حدیث و همنشیني با اهل علم را رها نموده و به قرائت قرآن از روی مصحف روی می آورد.

علامه ابن رجب حنبلی می فرماید: نهی به عمل آمده است از این که شخص مسلمان در هر سه روز يك ختم قرآن به جای نیارد. اما در اوقات خاصی مانند ماه مبارك رمضان و یا در اماکن به خصوص مانند مسجدالحرام مستحب است که در حد توان به این امر اشتغال داشته باشند. و قرار گرفتن در این زمان و مکان را غنیمت بشمرند. و این نظر امام احمد و اسحاق و غیره از ائمه نیز می باشد.

خواننده محترم!

گریستن به هنگام قرائت و یا شنیدن آیات قرآن از ترس پروردگار را نباید فراموش کرد.

تلاوت قرآن بدون تدبر و اندیشیدن به آن از شیوه های سلف و از رهنمونهای ایشان نمی باشد . بلکه آنان از کلام پروردگار متأثر گشته و دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می دادند. در صحیح امام بخاری از عبدالله بن مسعود روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: قرآن را بر من بخوان . عرض کردم یا رسول الله آیا قرآن را بر شما بخوانم درحالی که بر شما نازل شده است ایشان فرمودند : می خواهم از کسی غیر از خودم بشنوم و من شروع کردم به قرائت سوره نساء تا این که به آیت رسیدم که « فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیدا » (سوره نساء ۴۱) (چگونه خواهد بود بدانگاه که از هر ملتی گواهی بیاوریم و تورا شاهدهی بر اینان بیاوریم) پیامبر فرمود کافی است. هنگامی که به ایشان نگریستم مشاهده کردم اشک از دیده گانشان سرازیر شده است .

و بییهی از ابوهریره روایت می کند که هنگامی که این آیت نازل شد که « أفمن هذا الحدیث تعجبون * وتضحکون ولا تبکون » (سوره نجم ۶۰-۵۹) (آیا از این سخن تعجب می کنید و در شگفت می افتید و آیا می خندید و گریه نمی کنید؟!) اهل صفا همگی گریستند تا جائی که سیل اشکها محاسنشان را تر نموده بود. هنگامی که پیامبر احساس کرد اهل صفا می گریند ایشان نیز گریستند و با گریه ایشان همگی ما به گریه افتادیم. سپس پیامبر فرمودند : آتش جهنم به کسی نخواهد رسید که از ترس خدا بگریزد .

ابن عمر سوره مطفین را می خواند تا این که به آیت ششم رسید . آنجائی که خداوند می فرماید : « یوم یقوم الناس لرب العالمین » (همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان بر پا می ایستند) سپس چنان گریست که نقش بر زمین شد و هنگامی که بر خاست از ادامه قرائت امتناع ورزید.

مزاحم بن زفر نقل می کند: سفیان ثوری نماز مغرب را بر ما می خواند تا این که به آیه « ایاک نعبد و ایاک نستعین » رسید چنان گریست که قرائتش قطع شد و پس از مدتی به قرائتش ادامه داد .

ابن أشعث می گوید : شبی متوجه شدم فضیل بن عیاض در حالی که سوره محمد را در نماز قرائت می کرد بشدت می گریست تا ای نکه به این آیت رسید که خداوند می فرماید:

« ولنبلوکم حتی نعلم المجاہدین منک والصابرین و نبلو أخبارکم » (سوره محمد ۳۱)

(ما همه شما را قطعاً آزمایش می کنیم تا معلوم شود مجاهدان و صابران شما کیانند و اخبار شما را بیازمائیم) و به استمرار جمله « و نبلو أخبارکم » را تکرار می کرد و سپس می گفت: پروردگارا اگر احوال و اسرار ما را بر ملا سازی ما را رسوا نموده ای و عذاب داده ای. و همواره گریه می کرد .